Archive of SID

سال هفتم | شماره پانزدهم | بهار و تابستان ۱۳۹۸
پژوهش‌های سیاست اسلامی

ارزیابی کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در تحقق عدالت سیاسی با تأکید بر مناصب سیاسی

علی محمدی ضیا*/ محمدتقی آل‌غفور**

چکیده

کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی به جهت پیوند با بقا و پایداری نظام، از اهمیت بسیاری برخوردار است. از سویی این مهم سبب شده ارزیابی کارآمدی در تحقق عدالت سیاسی به‌عنوان اصلی‌ترین هدف نظام جمهوری اسلامی اهمیت آن را دوچندان کند. لذا پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال اصلی که نظام سیاسی جمهوری اسلامی در تحقق عدالت سیاسی در توزیع مناصب سیاسی به چه میزان موفق بوده است، این فرضیه را مطرح می‌کند که در عرصه برابری در دسترسی به مناصب سیاسی همواره شرایطی برابر برای توده‌های مردم در عرصه نامزدی تصدی مناصب سیاسی وجود داشته و اعمال محدودیت‌های نهادهای نظارتی و مجری انتخابات در راستای اجرای قانون بوده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در عرصه برابری همواره حضور برابر گونه مردم در عرصه نامزدی تصدی مناصب سیاسی وجود داشته و با گذشت زمان شاخص فضیلت و شایستگی نیز در تصدی مناصب سیاسی بیش‌ازپیش مورد توجه و رعایت قرار گرفته است.

کلیدواژگان: کارآمدی، عدالت سیاسی، جمهوری اسلامی، مناصب سیاسی

---

*. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، amohamadi19@gmail.com.
**. استادیار و مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، ghafoor@bou.ac.ir.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۵

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

موضوع کارآمدی زمانی که با نظام سیاسی پیوند می‌خورد به دلیل آنکه با ماهیت و موجودیت نظام سیاسی مرتبط شده و معطوف به بقای نظام سیاسی است، برای هر نظامی ازجمله جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است. این در حالی است که نظام سیاسی جمهوری اسلامی به دلیل آنکه یک اتفاق جدید و بدون هرگونه سابقه تاریخی در عرصه حکومت اسلامی به‌ویژه در ایران است، مورد توجه اذهان عمومی در عرصه داخلی و خارجی به‌ویژه در میان مسلمانان جهان است و این مهم سبب شده ناکارآمدی آن تأثیرات منفی به همراه داشته باشد و چهره حکومت اسلامی را در انظار عمومی اعم از داخلی و خارجی مخدوش کند. از سویی کارآمدی به دلیل آنکه با مشروعیت نظام سیاسی پیوند می‌خورد، با بقا و تداوم نظام ارتباط دارد و این سبب شده اهمیت آن در پیوند با عدالت دوچندان شود؛ چراکه بررسی کارآمدی در تحقق عدالت آن هم از نوع سیاسی آن به جهت آنکه یکی از اهداف مهم و اصلی حکومت اسلامی و به تبع آن نظام جمهوری اسلامی است، حائز اهمیت است و ناکارآمدی در آن بقا و تداوم نظام را بیشتر به خطر می‌اندازد.

در این راستا و باتوجه‌به اهمیت مذکور، مقاله حاضر به ارزیابی موضوع کارآمدی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی می‌پردازد و ازآنجاکه کارآمدی نظام سیاسی در این پژوهش درواقع توانایی دستیابی به اهداف تعیین‌شده تلقی شده، این مقاله می‌کوشد توانایی جمهوری اسلامی را در تحقق عدالت سیاسی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف خود مورد ارزیابی قرار دهد. در راستای ارزیابی تحقق عدالت سیاسی، یکی از ابعاد مهم این عرصه، مناصب سیاسی است و به دلیل پیوند آن با قدرت، مورد توجه و اقبال همگان بوده و ازآن‌جهت که با ویژگی محدودیت مواجه است، تحقق عدالت در آن، آن‌هم برای حکومت اسلامی اهمیت بسیاری دارد. لذا پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال اصلی که نظام سیاسی جمهوری اسلامی در تحقق عدالت سیاسی در توزیع مناصب سیاسی به چه میزان موفق بوده است، این فرضیه را مطرح می‌کند که در عرصه برابری همواره نگاهی برابر به توده‌های مردم در نظام جمهوری اسلامی وجود داشته و این روش در حضور برابر گونه

www.SID.ir

Archive of SID

مردم در عرصه نامزدی تصدی مناصب سیاسی همواره بوده و اعمال محدودیت‌های نهادهای نظارتی و مجری انتخابات، در راستای اجرای قانون بوده است. از سویی با گذشت زمان، شاخص فضیلت و شایستگی نیز در تصدی مناصب سیاسی بیش‌ازپیش مورد توجه بوده است. لذا این نوشتار می‌کوشد در ابتدا با بهره‌گیری از نظریه توفیق، کارآمدی نظام سیاسی را در دستیابی به اهداف معرفی کند و مبتنی بر آن در ارزیابی کارآمدی جمهوری اسلامی در میزان تحقق و دستیابی به عدالت سیاسی در ابتدا با تبیین مؤلفه‌های عدالت سیاسی، به ارائه الگوی نوین از آن مبادرت ورزد و از این رهگذر با تبیین وضعیت مطلوب عدالت سیاسی در توزیع مناصب سیاسی، به ارزیابی وضعیت موجود در نظام سیاسی جمهوری اسلامی بپردازد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۱. کارآمدی

مفهوم کارآمدی در علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی، بیشتر درباره نظام سیاسی استعمال می‌شود و در این میان کارآمدی و ناکارآمدی نظام سیاسی از مفاهیم جدیدی است که اخیراً راجع‌به نظام سیاسی کاربرد داشته است. در همین راستا لیپست کارآمدی را تحقق عینی یا توانایی نظام در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت می‌داند؛ به‌گونه‌ای‌که بیشتر مردم و گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را مشاهده کنند (لیپست، ۱۳۷۴: ۱۱). آلموند و پاول نیز کارآمدی نظام سیاسی را عبارت از توانایی نظام سیاسی برای بسیج منابع در جهت انجام دادن کارویژه‌های خود به شکل موفقیت‌آمیز تعریف می‌کنند (آلموند و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۹۸).

کارآمدی در تعریف اصطلاحی دیگر عبارت است از آنچه در کل نهادهای سیاسی به نام آن تصمیم‌گیری می‌شود و اجرای این تصمیم‌ها را از حکومت‌شوندگان می‌خواهند. به‌عبارت‌دیگر نظام سیاسی (دولت) آن‌گاه کارایی دارد که بتواند وظیفه‌هایی را که بیشتر مردم یا حکومت‌شوندگان از آن متوقع هستند انجام دهد (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۲۴۷). در این

www.SID.ir

Archive of SID

برداشت از کارآمدی، ملاک رضایت و عدم رضایت مردم، میزان سنجش کارآمدی نظام است و چنانچه سطح آن تقلیل یابد، از میزان کارآمدی نظام می‌کاهد.

تالکوت پارسونز بر اساس نظریه کاردکردگرایی ساختاری مبتنی بر کارکرد نظام سیاسی در نیل به اهداف معتقد است کارآمدی نظام سیاسی توانایی آن برای بسیج منابع و کنشگران به‌منظور رسیدن به اهداف نظام اجتماعی است (روشه، ۱۳۷۶: ۱۴۴). درمجموع می‌توان گفت کارآمدی زمانی محقق خواهد شد که نظام توانایی لازم را برای بسیج منابع در جهت انجام دادن وظایف و رسیدن به اهداف خود داشته باشد. این رویکرد به مقوله کارآمدی با نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک حکومت اسلامی کاملاً تطبیق دارد؛ چراکه تشریع تعالیم و آموزه‌های اسلام در همه عرصه‌ها ازجمله حکومت به‌منظور دستیابی به هدف نهایی و به تعبیر قانون اساسی کشور، حرکت به‌سوی نظام الهی (والی الله المصیر) است. براین‌اساس رویکردهایی چون رضایت مردم، اثربخشی و مصلحت در عرصه کارآمدی حکومت اسلامی را می‌توان باتوجه‌به تعالیم اسلام در جهت معطوف بودن به هدف در ذیل آن ارزیابی کرد.

از سویی به دلیل آنکه مبنای پژوهش حاضر ارزیابی موضوع کارآمدی در نظام سیاسی است، رسیدن به یک رویکرد علمی درباره مقوله کارآمدی که مبنای کار این پژوهش قرار گیرد، امری ضروری به نظر می‌رسد. این در حالی است که درباره مفهوم کارآمدی رویکردهای متفاوتی وجود دارد که هریک از نگاهی به مقوله کارآمدی نگریسته‌اند. در همین راستا مبتنی بر رویکردهای موجود در عرصه کارآمدی برخی برای این موضوع پنج نظریه را مطرح کرده‌اند (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۵۱-۹۳). این پنج نظریه عبارت‌اند از:

نظریه عمومی اعمال ارادی (ذاتی عمل): به جهت آنکه موضوع کارآمدی نظام و سازمان به نحوه عملکرد آن مربوط می‌شود، سه عنصر اصلی این نظریه که عبارت باشد از فهم عامل از وضعیت حقیقی، وضعیت مراد که اراده عامل بر تحقق آن قرار گرفته و برنامه عمل برای رسیدن به وضعیت مراد، درباره عملکرد نظام و سازمان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بر اساس این نظریه، مسئله‌ای مربوط به کارآمدی نظام سیاسی است که درواقع

www.SID.ir

Archive of SID

درباره یکی از سه موضوع نحوه فهم نظام سیاسی از وضعیت حقیقی، نحوه شکل‌گیری وضعیت مراد و نحوه طراحی و اجرای برنامه عمل از سوی نظام سیاسی صورت پذیرد. همچنین در این نظریه برای ارزیابی کارآمدی در سه عرصه یادشده به نقش کارشناسی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری توجه می‌شود؛

نظریه توفیق: مطابق با این نظریه هر سازمانی برای تحقق هدف یا اهداف معیّنی به وجود می‌آید و برای ارزیابی باید اساس محاسبه را توفیقات نهایی آن سازمان در دستیابی به اهداف دانست. لذا بر اساس این نظریه سازمان‌ها باید اهداف کاملاً ازپیش‌تعیین‌شده و قابل تعیّن و مرزبندی داشته باشند. منظور از هدف در این نظریه، هدف ذاتی است که وجود سازمان را توجیه می‌کند؛

نظریه سیستم: بر اساس این نظریه نظام یا سازمان بر یک سیستم تطبیق داده می‌شود که از شش بخش ورودی، فرایند تبدیل، خروجی، وضعیت محیطی، نتایج و بازخورد تشکیل شده است. براین‌اساس کارآمدی در این نظریه مبتنی بر توانایی سیستم در تهیه ورودی، نحوه انجام عملیات روی آنها، نحوه سازمان‌دهی خروجی و حفظ تعادل سیستم در ارتباط با محیط است؛

نظریه رضایت مردم: بر اساس این نظریه نظام یا حکومتی کارآمد است که بتواند عناصر مؤثر در بقای خود را ارضا کند. براین‌اساس اگر مردم عنصر اصلی در حیات یک نظام سیاسی‌اند، مقیاس کارآمدی آن در میزان جلب رضایت مردم است. نظام‌های مبتنی بر دمکراسی و همچنین نظام سیاسی جمهوری اسلامی که بر اساس ماهیت وجود خود، نقش و نظر مردم را اساسی می‌دانند، بر اساس نظریه مذکور کارآمدی‌شان در جلب رضایت هرچه بیشتر مردم ارزیابی می‌شود؛

نظریه نسبیّت: این نظریه معتقد است که مبنای واحد و اصیلی برای مفهوم و میزان کارآمدی وجود ندارد. بر اساس این نظریه بسیاری از ارزیابی‌های کارآمدی درواقع بیان دیدگاه ارزیاب است. لذا باید کارآمدی را یک مسئله ارزشی تلقی کرد که بر اساس ترکیبی از معیارهای ارزشی مختلف، مدل‌های عملی برای ارزیابی کارآمدی نظام یا سازمان به تناسب وضع موجود تهیه شود و بر اساس آن کارآمدی مورد ارزیابی قرار گیرد.

www.SID.ir

Archive of SID

همچنین در بررسی موضوع کارآمدی برخی نیز نظریه‌ای را تحت عنوان «میزان اثرگذاری در روند امور» درباره موضوع کارآمدی مطرح کرده‌اند. بر اساس این نظریه، کارآمدی ناظر به تأثیر عینی و واقعی در روند امور جامعه است و مبتنی بر آن برای نفس «تأثیر» اهمیت بسیاری قائل شده‌اند (ذوعلم، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۱۲۱).

درمجموع هریک از نظریات مطرح‌شده درباره موضوع کارآمدی دارای ضعف‌ها و قوت‌هایی است که در جای خود قابل تأمل و بررسی می‌باشد. اما نکته قابل توجه در این راستا آن است که باید هریک از این نظریات بر اساس زاویه نگاه پژوهشگر به مسئله و ویژگی‌های موضوع پژوهش انتخاب، و از آن برای بررسی کارآمدی نظام سیاسی بهره گرفته شود. بر اساس همین نکته، در پژوهش حاضر تلاش شده بر اساس ماهیت نظام سیاسی جمهوری اسلامی که یک نظام ایدئولوژی‌محور است از نظریه توفیق برای ارزیابی کارآمدی آن بهره گرفته شود؛ چراکه این نظریه معیار مناسبی برای سنجش کارآمدی نظام‌های سیاسی ایدئولوژی‌محور است. به همین منظور در راستای چهارچوب نظری مذکور برای کشف میزان کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی در تحقق عدالت سیاسی به‌عنوان هدف اصلی نظام تلاش می‌شود با تبیین وضعیت مطلوب از عدالت سیاسی و وضعیت موجود، فاصله میان وضعیت موجود تا وضعیت مطلوب بررسی شود و از این رهگذر کارآمدی نظام سیاسی در میزان تحقق عدالت سیاسی ارزیابی شود.

۲. عدالت سیاسی

در بیان مفهوم عدالت سیاسی برخی این مفهوم را دستیابی همه انسان‌ها به بلوغ و کمال و برابری آنها در برابر قانون دانسته‌اند. به‌عبارت‌دیگر عدالت سیاسی آن است که قانون افراد را به یک چشم ببیند (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸ ب: ۲۱۰). در همین راستا محقق نائینی عدالت سیاسی را مساوات و برابری انسان‌ها در برابر حکومت معنا، و از آن به مساوات آحاد ملت با همدیگر و با شخص والی در جمیع نوعیات تعبیر می‌کند و معتقد است مبتنی بر عدالت سیاسی هر حکم و قانونی برای مصادیق و افرادش بالسویه و بدون تفاوت باید اجرا شود (نائینی، ۱۳۶۱: ۶۸-۶۹).

www.SID.ir

Archive of SID

برخی دیگر عدالت سیاسی را رعایت حقوق افراد و حق مناسب هرکس را بـه او دادن و او را در جای خود قرار دادن معرفی کرده‌اند (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۸ الـف: ۱۰۲). در تعریف دیگر از عدالت سیاسی گفته شده ارزشی است که با فراگیر شدن آن، امـور جامعـه در پیوند با قدرت به‌تناسب در جای خود قرار می‌گیرد (همان: ۲۷۶).

همچنین برخی نظریه عدالت توافقی و مبتنی بر رضایت را مطرح کرده‌اند؛ به‌طوری‌کـه رضایت عمومی شاخص سنجش عدالت در هـر نظـام سیاسـی اسـت (همـان: ۱۷-۳۴). برخی دیگر نیز از عدالت به‌عنوان انطباق بر قانون سخن به میان آورده‌اند و ازآنجاکه قـانون تنظیم‌کننده سیاست و زندگی سیاسی و دربرگیرنده حقوق اساسی افراد و زیربنـای قـدرت و تنظیم‌کننده آن است، عدالت سیاسی معنا پیدا می‌کند (همان: ۶۵).

به هر شکل در جمع‌بندی تعاریف بیان‌شـده از عـدالت سیاسـی بایـد متـذکر شـد کـه تعریفی مطلوب است که بر مبنای علمی بنا شده باشـد و از سـویی جـامع جهـات و مـانع اغیار باشد. بر اساس این دو ویژگی باید گفت برخی از این تعـاریف بـر مبنـای علمـی بنـا نشده و تنها در حد ارائه یک دیدگاه در مقولـه عـدالت‌انـد. از سـویی بیشـتر ایـن تعـاریف کلی‌اند و جامعیت لازم را ندارند و مبتنی بر فهم مبهم از مفهوم عدالت، نتوانسته‌اند نسـبت میان دو مفهوم عدالت و سیاست را به‌خوبی فهم کنند و درنتیجه تعریفـی جـامع و مـانع از عدالت سیاسی ارائه نکرده‌اند.

درمجموع مبتنی بر مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده عدالت سیاسی و بـا بهـره‌گیـری از برخـی عناصر مفید در تعاریف ذکرشده، در ارزیابی کلی می‌توان گفت منظور از عـدالت سیاسـی آن است که اصل حاکمیت نظام سیاسی به همراه قوانین و روش‌های حاکم بر امـور آن و از سویی تصمیمات مسئولان نظام سیاسی مبتنی بر شاخصه‌های برابـری و فضـیلت، زنـدگی سیاسی مردم را سامان بخشد و مردم بتوانند در بستر آن بدون کوچک‌ترین ظلمی در فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند.

تعریف ارائه‌شده از عدالت برخلاف تعاریف گذشته کلی نبوده و به شـکلی جزئـی بـه تشریح عدالت سیاسی پرداخته است. از سـویی ایـن تعریـف بـرخلاف تعـاریف گذشـته

www.SID.ir

Archive of SID

کاربردی است و امکان ارزیابی تحقق آن در خارج وجود دارد. این در حالی است که تعریف مذکور جامع جهات عدالت سیاسی است و اصل حاکمیت، قوانین، روش‌ها و عملکرد حاکمان را شامل می‌شود و ازطرفی مانع اغیار است و اقسام دیگر عدالت همچون اجتماعی و اقتصادی را از شمول خود خارج می‌کند.

مؤلفه‌های عدالت سیاسی

با تبیین رویکرد پژوهش حاضر به مقوله عدالت سیاسی ضروری است به‌منظور ارزیابی کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی در تحقق عدالت سیاسی معیار و شاخص‌های عدالت سیاسی بیان شود و از طریق شناخت این شاخص‌ها بتوان دریافت که عدالت سیاسی در عرصه توزیع مناصب سیاسی به چه میزان در کشور محقق شده است. از سویی شناخت شاخص‌های عدالت سیاسی کمک می‌کند حد و مرزهای عدالت روشن و تفاوت آن با مفاهیم دیگر مشخص شود.

اول. برابری

برابری یکی از مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده مفهوم عدالت است، اما در همه‌جا به معنای برابری نیست، بلکه عدالت در معنای عام هر چیز را در جای خود قرار دادن است. به بیان روشن‌تر عدالت یعنی تساوی درزمینهٔ استحقاق‌ها و توانایی‌های هر فرد. بر اساس این مؤلفه انسان‌ها در آفرینش و خلقت با یکدیگر یک‌سان هستند و هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد، همچنان‌که رسول خدا ﷺ دراین‌باره خطاب به مردم می‌فرمایند: «**یا أیّها النّاس إنّ ربکم واحد وإنّ أباکم واحد کلّکم من آدم وآدم من تراب... لا فضل لعربی علی عجمی الّا بالتّقوی** (حرانی، ۱۳۹۸ق: ۳۳)؛ ای انسان‌ها به‌درستی که پروردگار شما یکی است و به‌درستی که پدر شما یکی است و همه شما از آدم و آدم از خاک خلق شده است. ... هیچ فضیلتی برای عرب نسبت به غیر عرب وجود ندارد مگر به تقوا.» همچنین رسول خدا ﷺ در کلامی دیگر با بیان عبارت «**النّاس کأسنان المشط سواء** (شیخ صدوق، ۱٤۱۳ق، ج ٤: ۳۷۹)؛ انسان‌ها مانند دانه‌های شانه برابرند»، به برابری تمام انسان‌ها اشاره می‌کنند و این اصل مهم اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهند.

www.SID.ir

Archive of SID

بر اساس چنین دیدگاهی که برآمده از برابری انسان‌ها در خلقت و برخورداری از هویت یک‌سان انسانی است، برابری در نظام سیاسی رقم می‌خورد و لازمه این مؤلفه، برابری همه انسان‌ها در نظام سیاسی و برخورداری یک‌سان همگان از حقوق، آزادی‌ها و مزیت‌های سیاسی و اجتماعی از قبیل امکانات، منابع، فرصت‌ها و مناصب است.

نباید این نکته را از نظر دور داشت که اجرای مؤلفه برابری در تحقق عدالت در شرایطی مطرح است که واقعیت‌های اجتماعی چون وجود تفاوت‌ها و محدودیت‌ها، تحقق آن را در جامعه با مانع مواجه نسازد. لذا در این شرایط است که تنها می‌توان از تحقق برابری به‌عنوان اصل اولیه حاکم بر عدالت یاد کرد، همانند حق تعیین سرنوشت که اولاً محدودیت منابع برای آن موضوعیت ندارد و ثانیاً نابرابری‌های انسان‌ها موجب استفاده نابرابر از آن نمی‌شود، مگر آنکه نابرابری به‌حدی باشد که فرد عقلاً امکان استفاده از این حق را نداشته باشد؛ مثل کودکان و افراد مبتلا به بیماری‌های روانی که نمی‌توانند از این حق استفاده کنند و در این شرایط حق آنها به نفع همگان منتفی می‌شود.

دوم. فضیلت

اسلام در کنار تساوی تمام انسان‌ها، برخورداری از فضیلت را مورد توجه قرار داده و آن را مایه برتری برخی از انسان‌ها بر برخی دیگر دانسته است؛ همچنان‌که در قرآن کریم خداوند متعال بهره‌مندی از فضیلت تقوا را به‌عنوان ملاک برتری انسان‌ها بر یکدیگر قلمداد کرده است: «**إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ** (حجرات: ۱۳)؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست.» همچنین در روایتی از پیامبر اسلامﷺ آمده است: «**الخلق كلّهم عيال الله فأحبّهم إلى الله عز وجل أنفعهم لعياله** (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۳۴۵)؛ همه انسان‌ها عیال خداوند هستند و محبوب‌ترین آنها نزد خداوند آن کسی است که نفعش به انسان‌ها بیشتر برسد.» در این کلام نبوی همه انسان‌ها بدون هیچ تفاوتی عیال خداوند متعال قلمداد شده‌اند و در این میان معیار برتری و فضیلت میان آنها خیررسانی بیشتر به مردم بیان شده است.

سخن از فضیلت زمانی به میان می‌آید که اصل برابری حاکم میان انسان‌ها در شرایطی رقم می‌خورد که وقتی انسان‌ها وارد اجتماع می‌شوند، اختلاف‌ها و تفاوت‌های فراوان و

www.SID.ir

Archive of SID

عمیق بر آنها عارض می‌شود. برخی از این تفاوت‌ها بـه اراده خـود آنهـا ایجـاد مـی‌شـود و برخی دیگر نیز معلول شرایط اجتماعی، محیطی، عملکرد پدر و مادر و نسل‌های گذشته و اموری از این قبیل است که از اختیار انسان خارج است و بـه‌ناچـار بـه آن تـن داده‌انـد. در توضیح این تفاوت‌ها باید گفت برای مثال عده‌ای تحصیل علم می‌کنند و به مراحل بـالایی از دانش و تخصص می‌رسند و این فضیلت برای آنـان موجـب ایجـاد تفـاوت و برتـری در مقابل کسانی است که تحصیل علم نکرده‌اند. از سویی برخـی تفـاوت‌هـا معلـول مسـائل ژنتیکی، وراثتی و اموری از این قبیل است و نسل‌های گذشته به‌طور مستقیم یا غیرمسـتقیم در آن نقش داشته‌اند.

در کنار وجود این تفاوت‌ها و فضیلت‌ها، ما با واقعیت انکارناپـذیر مهمـی تحـت عنـوان محدودیت مزیت‌های سیاسی و اجتماعی از قبیـل منـابع، امکانـات، فرصـت‌هـا و مناصـب مواجه هستیم؛ محدودیتی که امکان تقسیم مساوی این مزیت‌ها را بر اساس اصل برابری میان تمام افراد جامعه ممکن نمی‌سازد. در این شرایط اصلی‌ترین سؤالی که مطـرح مـی‌شـود ایـن است که این مزیت‌های محدود سیاسی و اجتماعی مبتنی بر عدالت سیاسی بایـد در اختیـار چه افرادی از جامعه قرار گیرد؟ در پاسخ به این سؤال و باتوجه‌به وجود دو واقعیـت اجتمـاعی مطرح‌شده، مؤلفه فضیلت در پیوند با عدالت سیاسی مطرح می‌شود. این مکانیزم مـا را قـادر می‌سازد در این شرایط گریزناپذیر اجتماعی، عدالت را در جامعه محقق سازیم و مبتنی بر آن اولویت را در بهره‌مندی از مزیت‌های محدود سیاسی و اجتماعی به شایسته‌ترین افراد دهیم.

نکته مهم در تحقق مؤلفـه فضـیلت در برپـایی عـدالت سیاسـی، تعیـین معیـار فضـیلت و شایستگی به‌عنوان مقوله مهم، پیچیده و مجزایی است که باید عدالت در آن مورد توجه قرار گیرد و خروجی آن رسیدن فردی شایسته به قدرت و منصب باشد که عمـوم مـردم نیـز بـه شایسـتگی احراز قدرت از سوی او نظر مساعد داشته باشند. به همین منظور برای تحقق این مهم راهکـاری که توصیه می‌شود بهره‌گیری از سیره عقلا و عرف جامعه در تعیین معیار فضیلت اسـت؛ چراکـه تعیین هر مؤلفه‌ای برای فضیلت بدون رعایت شرط مذکور می‌تواند خود مصداقی از بی‌عـدالتی فرض شود و غرض از تحقق مطلوب عدالت سیاسی را ناکام گذارد.

www.SID.ir

Archive of SID

۳. پیشینه تحقیق

درزمینه ارزیابی پیشینه تحقق باید این نکته را مورد توجه قرار داد که آثار متعددی درباره دو مقوله کارآمدی و عدالت سیاسی منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های کارآمدی نوشته سیدمرتضی نبوی (۱۳۹٤)، درآمدی بر کارآمدی در نظام سیاسی اسلام نوشته بهرام اخوان کاظمی (۱۳۸۵)، عدالت در اندیشه و عمل دولت‌های جمهوری اسلامی نوشته محمدحسن جباری (۱۳۹٦) و عدالت سیاسی نوشته سیدکاظم سیدباقری (۱۳۹۳) اشاره کرد، اما نکته مهمی که درباره این آثار وجود دارد آن است که این آثار تنها به یکی از دو مقوله کارآمدی و عدالت سیاسی پرداخته و ارتباط این دو موضوع را مورد توجه قرار نداده‌اند.

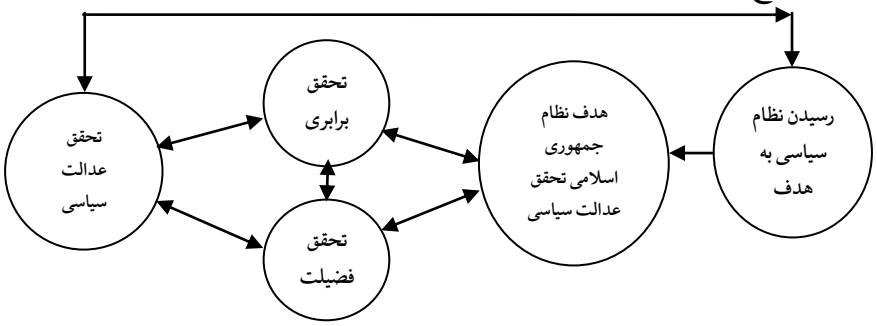

همچنین درباره عدالت سیاسی مقالاتی نوشته شده‌اند؛ ازجمله «عدالت و سیاست» نوشته نجف لک‌زایی، «گفتمان عدالت سیاسی در انقلاب اسلامی» نوشته محمدرحیم عیوضی، «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی» نوشته منصور میراحمدی و اکرم شیری، «درآمدی بر شاخص‌های عدالت سیاسی در الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت» نوشته محمدتقی کریمی، «عدالت سیاسی از منظر قرآن و راویات: تأملی در برابری سیاسی» نوشته محمود شفیعی، «عدالت سیاسی و اجتماعی در سه رهیافت فقهی، فلسفی و جامعه‌شناختی» نوشته ناصر جمالزاده. هریک از این مقالات به وجوهی از عدالت سیاسی می‌پردازند، اما نکته مهم آن است که این مقالات به شکلی ناقص و ناتمام عدالت سیاسی را بررسی کرده‌اند و از سویی نسبت میان این موضوع با کارآمدی نظام سیاسی را مورد بررسی قرار نداده‌اند.

www.SID.ir

Archive of SID

وضعیت مطلوب عدالت سیاسی در توزیع مناصب سیاسی

عدالت در هر مکتب مبتنی بر پایه‌های هستی‌شناسی آن مکتب است و به تعبیر رهبر انقلاب، نباید در شناخت نظریه اسلامی عدالت، از مکاتب دیگر استفاده کرد (بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله، ۱۳۹۰/۲/۲۷). مطلوبیت عدالت در اسلام، ناشی از حق است و عدالت‌ورزی یک وظیفه الهی شمرده می‌شود. با این فرض، اگرچه چهارچوب نظری مبتنی بر نظریه توفیق درباره مقوله کارآمدی است و ملاک در آن میزان دستیابی به اهداف قلمداد می‌شود، اهداف بر اساس تعریف مبتنی بر آموزه‌های اسلامی حاصل می‌شود. ازاین‌رو، در ارزیابی کارآمدی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در تحقق عدالت سیاسی در عرصه توزیع مناصب سیاسی به‌عنوان یکی از زمینه‌های مهم تحقق آن، زمانی می‌توان این کارآمدی را مورد ارزیابی قرار داد که وضعیت موجود در نسبت‌سنجی با وضعیت مطلوب مورد ارزیابی قرار گیرد. این نسبت‌سنجی به ما کمک خواهد کرد که بتوانیم میزان دستیابی نظام سیاسی جمهوری اسلامی به وضعیت مطلوب عدالت سیاسی در توزیع مناصب را مورد بررسی قرار دهیم و کارآمدی آن را در تحقق عدالت سیاسی ارزیابی کنیم.

۱. برابری در دستیابی به مناصب سیاسی

نظام سیاسی موظف است برای تحقق مطلوب عدالت سیاسی، شرایط برابری را برای عموم افراد جامعه در کسب مناصب و قدرت سیاسی فراهم آورد و برای تحقق این مهم در عرصه نظام سیاسی، قانون و تصمیم‌گیری حاکمان نقش مهمی را ایفا می‌کنند. از سویی سخن از برابری در دستیابی به مناصب و قدرت سیاسی در شرایطی که حاکمان و صاحبان قدرت نیز در این عرصه حضور دارند ضرورت دوچندانی پیدا می‌کند؛ چراکه در این شرایط، شاخص برابری اقتضا می‌کند قدرت و منصب مسئولان نظام سیاسی هیچ مزیت و تبعیضی را برای آنها در دستیابی به مناصب قدرت در جهت تداوم یا افزایش آن ایجاد نکند. همچنین در مرحله توزیع قدرت سیاسی نیز باید اصل برابری همگان رعایت شود و هنگام توزیع قدرت و مناصب از سوی نظام سیاسی مبتنی بر مکانیسم‌های طراحی‌شده در آن اعم از قانون و تصمیم‌گیری حاکمان، هیچ‌گونه تبعیضی رخ ندهد و اصل برابری مورد غفلت قرار نگیرد.

www.SID.ir

Archive of SID

در همین راستا امام خمینی﵀، بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی، با اشاره بـه اینکـه در جامعه اسلامی همه امتیازات لغو شده و تقوا و پاکی ملاک برتری خواهد بود، معتقدنـد در چنین جامعه‌ای زمامدار با پایین‌ترین فرد جامعه برابر است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۸۱). امام همچنین با اشاره به عدالت‌ورزی نظام جمهوری اسلامی و اینکه نظـام امتیـازی برای هیچ‌کس قائل نیست، برای شخص خـود نیـز ذره‌ای مصـونیت و حـق و امتیـاز قائـل نمی‌شوند و بر این نکته تأکید می‌کنند که اگر تخلفی از من هم سر زند، مهیـای مؤاخـذه‌ام (همان، ج ۲۱: ۲۸۲).

رهبر معظم انقلاب نیز یکی از اهداف و خطوط اصلی نظام سیاسی تشکیل‌شـده بـه دسـت پیـامبر اسـلام را عـدالت مطلـق و بـی‌اغمـاض معرفـی مـی‌کننـد و عـدالت در مناصـب و مسئولیت‌دهی و مسئولیت‌پذیری را یکی از شاخص‌های آن می‌دانند (بیانات امام خامنـه‌ای﵀ در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۷/۲/۱۸). رهبـر انقـلاب همچنـین در سـخنانی دیگـر یکـی از شاخص‌های عدالت را تحقق آن در جای‌گزین شدن و جای گرفتن در مسـئولیت‌هـا و مناصـب می‌دانند که در رویکرد عـدالت‌گسـتری در جامعـه بایـد مـورد توجـه قـرار گیـرد (بیانـات امـام خامنه‌ای﵀ در دیدار با رئـیس‌جمهـور و هیئـت‌وزیـران، ۱۳۸۵/۶/۶). همچنـین در راسـتای برابری همگان در دستیابی به مناصب سیاسی اصل بیست‌وهشتم قانون اساسی، بر ایجاد شرایط مساوی برای همگان در احراز مشاغل تأکید می‌کنند و دولت را موظف می‌سازند با رعایت نیـاز جامعه به مشاغل برای همه افراد، شرایط مساوی در کسب مشاغل را فراهم سازند.

بر اساس اصل بیستم قانون اساسی نیز همگان از تمام حقوق سیاسی به شکلی یک‌سان برخوردارند و از مصادیق بارز آن دستیابی به مناصب و قدرت سیاسی اسـت کـه بـه شـکل غیرمستقیم در این اصل مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. فضیلت در دستیابی به مناصب سیاسی

این شاخص از تحقق مطلوب عدالت سیاسی ناظر به نقش توزیعی قـدرت و مناصـب در یـک نظام سیاسی است. براین‌اساس یک نظام سیاسی عدالت‌محور باید مبتنی بر مکانیسم قـانون یـا تصمیم‌گیری، قدرت و مناصب سیاسی را به جهت برخورداری از محدودیت برحسب اسـتعداد

www.SID.ir

Archive of SID

و شایستگی افراد به‌صورت برابر توزیع کند. به‌عبارت‌دیگر مبتنی بر تحقق شاخص فضیلت در کسب قدرت، باید گفت زمانی این شاخص از عدالت سیاسی در حکومت محقق خواهد شد که شایسته‌ترین افراد در منصب‌های سیاسی جامعه به کار گرفته شوند و درمقابل با احراز عدم شایستگی صاحب‌منصبان سیاسی، امکان عزل فوری و خلع ید آنها فراهم باشد.

امام خمینی﵀ نیز به‌عنوان رهبر نظام اسلامی، به این شاخص از عدالت سیاسی توجه کرده و مبتنی بر معیار فضیلت برای تصدی مسئولیت‌ها و مناصب مختلف، برخورداری از برخی فضیلت‌ها چون تعهد و خدمت به اسلام (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۳۶۷)، اعتقاد به اسلام (همان، ج ۱۳: ۶۵)، عدم وابستگی به شرق و غرب، پیروی از احکام اسلام، دل‌سوز ملت بودن و خدمتگزاری به ملت را مورد توجه قرار داده‌اند (همان، ج ۱۱: ۴۸۴-۴۸۵).

در همین راستا رهبر معظم انقلاب نیز به‌صراحت شایستگی را معیار کسب مناصب در نظام جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند و معتقدند:

> جمهوری اسلامی... حکومت مردم و شایستگان است. در جمهوری اسلامی، رسیدن به مقامات مؤثر در سلسله‌مراتب حکومتی، تابع صلاحیت‌هاست. هرکه صلاحیت دارد، باید در میدان‌های فعالیت و تلاش و مسئولیت جلو برود؛ از هر نقطه کشور و از هر قشر اجتماعی باشد؛ و همه اینها با هدایت اسلام و الهام‌گیری از متون الهی و قرآنی صورت می‌پذیرد. این، معنای نظام جمهوری اسلامی است (بیانات امام خامنه‌ای﵀ در جمع مردم جیرفت، ۱۳۸۴/۲/۱۷).

در راستای تحقق شاخص فضیلت در کسب مناصب سیاسی در جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل صدونهم قانون اساسی که ناظر به شرایط و ویژگی‌های رهبر است، فضایلی چون صلاحیت علمی برای افتا، عدالت و تقوا، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری، حاکی از دخالت مؤلفه فضیلت در تصدی این منصب است. همچنین در اصل صدوپانزدهم نیز که ناظر به شرایط و ویژگی‌های رئیس‌جمهور است ویژگی‌هایی چون رجال مذهبی و سیاسی، ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور به‌عنوان فضیلت برای تصدی منصب ریاست‌جمهوری ذکر شده است.

www.SID.ir

Archive of SID

۳. بیشینه کردن مناصب سیاسی

در شرایطی که مناصب سیاسی محدود است، مبتنی بر راهبرد بیشینه کردن می‌باید این مناصب محدود در اختیار بیشترین افراد جامعه به نسبت شایسته‌ترین آنها قرار گیرد. آنچه مسلّم است اینکه جمع میان دو شاخص برابری و فضیلت در تحقق عدالت سیاسی، زمانی به شکل مطلوب محقق خواهد شد که نظام سیاسی در شرایط وجود محدودیت مناصب سیاسی بتواند در ابتدا فرصت برابر را در اختیار همگان در بهره‌مندی از این مناصب قرار دهد و در ادامه با فراهم کردن مکانیزمی، بیشترین افراد شایسته را از مناصب سیاسی برخوردار کند. عنصر فراگیری در بیشینه کردن مناصب به نظام سیاسی کمک می‌کند احساس عدالت را در میان آحاد جامعه گسترش دهد و اهتمام نظام را در تحقق عدالت برای مردم آشکار سازد.

بر اساس این رویکرد عدالت‌محور، رهبر معظم انقلاب در تبیین ماهیت عدالت با اشاره به این موضوع که عدالت همه‌جا به معنای برابری نیست، این تفکر را که همه جامعه باید برداشت یک‌سان از ثروت‌های جامعه داشته باشند رد می‌کنند و با اشاره به فضیلت‌ها و شایستگی‌هایی چون انجام دادن کار بیشتر، استعداد بیشتر و ارزش بیشتر برای پیشرفت کشور، عدالت را طبق حق عمل کردن می‌دانند و تقسیم ثروت در جامعه را بر مبنای دخالت شاخص فضیلت در کنار برابری، درست ارزیابی می‌کنند (بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷).

بر مبنای جمع میان دو شاخص برابری و فضیلت در تحقق مطلوب عدالت سیاسی که شواهد آن در کلام و اندیشه امام خمینی ﷺ و رهبر معظم انقلاب و از سویی قانون اساسی مورد ارزیابی قرار گرفت، نظام جمهوری اسلامی درصدد است عدالت را مبتنی بر این دو شاخص اجرا کند، اما ازآنجاکه عدالت همه‌جا تنها اجرای یکی از دو شاخص برابری و فضیلت نیست، اقتضا می‌کند مبتنی بر راهبرد بیشینه کردن این دو شاخص با جمع برابری و فضیلت، نظام سیاسی درصدد برآید مناصب سیاسی محدود را در اختیار بیشترین افراد جامعه به نسبت شایسته‌ترین آنها قرار دهد.

www.SID.ir

Archive of SID

وضعیت موجود عدالت سیاسی در توزیع مناصب سیاسی

نظام سیاسی جمهوری اسلامی همچنان‌که بیان شد مبتنی بر اندیشه و دیدگاه امام خمینی﵀ و رهبر معظم انقلاب از بدو شکل‌گیری همواره بر تحقق عدالت سیاسی تأکید ورزیده و در جای‌جای قانون اساسی به رعایت عدالت در دسترسی و توزیع مزیت‌های سیاسی در جامعه تأکید شده است. اما این نگاه عدالت‌محور نظام جمهوری اسلامی به تحقق مطلوب عدالت سیاسی در توزیع مناصب سیاسی به‌تنهایی کافی نیست و برای ارزیابی کارآمدی نظام ضروری است تحقق این مهم باتوجه‌به وضعیت موجود نظام سیاسی جمهوری اسلامی در دستیابی به عدالت سیاسی مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱. وضعیت برابری در دسترسی به مناصب سیاسی

برای تحقق عدالت سیاسی در عرصه مناصب سیاسی ضروری است زمینه‌های مساعد در دستیابی برابر شهروندان نظام سیاسی به مناصب فراهم شود. براین‌اساس برای ارزیابی یکی از ابعاد این شاخص از عدالت سیاسی، باید به امکان رقابت سیاسی در دستیابی به مناصب در میان داوطلبان نمایندگی اشاره کرد. بر اساس این مهم، از ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی به سبب طرح شعارهای برابری و رفع تبعیض‌های ناروا و از سویی تأکید قانون اساسی و قوانین انتخابات بر این موضوع، همواره شرایط برابری برای حضور اقشار مختلف مردم در عرصه نامزدی چه در انتخابات ریاست‌جمهوری و چه در انتخابات مجلس شورای اسلامی فراهم بوده است. از سویی ماده سی‌وپنجم قانون انتخابات ریاست‌جمهوری و ماده بیست‌وهشتم قانون انتخابات مجلس و مفاد ذکرشده در آن به ایجاد شرایطی برابر و بدون هیچ‌گونه تبعیض برای حضور آحاد مختلف مردم در صحنه نامزدی تصدی مناصب سیاسی کشور اشاره دارد. در همین راستا با نگاه به آمار تعداد کل نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری، شاهدیم تعداد افراد شرکت‌کننده در طول ادوار مختلف در حال افزایش است؛ به‌طوری‌که تعداد کل نامزدها در دور اول از ۱۲۴ نفر به ۱۶۳۶ نفر در دور دوازدهم می‌رسد.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شماره ۱: آمار نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری (سایت وزارت کشور)

دوره	سال	تعداد کل نامزدها
اول	۱۳۵۸	۱۲۴
دوم	۱۳۶۰	۷۱
سوم	۱۳۶۰	۴۶
چهارم	۱۳۶۴	۵۰
پنجم	۱۳۶۸	۷۹
ششم	۱۳۷۲	۱۲۸
هفتم	۱۳۷۶	۲۳۸
هشتم	۱۳۸۰	۸۱۴
نهم	۱۳۸۴	۱۰۱۴
دهم	۱۳۸۸	۴۷۵
یازدهم	۱۳۹۲	۶۸۶
دوازدهم	۱۳۹۶	۱۶۳۶

همچنین آمار نشان می‌دهد که حضور مردم در عرصه نامزدی نمایندگی در طول ادوار مختلف انتخابات مجلس نیز همواره در حال افزایش بوده و از ۳۶۹۴ نفر در دور اول به ۱۲۱۲۳ نفر در دور دهم رسیده است. این روند روبه‌افزایش خود نشان از احساس مردم به وجود عدالت در جریان انتخابات و اطمینان آنها به نظام سیاسی است. از سویی این موضوع حاکی از یک واقعیت مهم در عرصه سیاسی کشور است که انتخابات، توزیع قدرت و انتخاب مسئولان سیاسی در نظام جمهوری اسلامی فرمایشی و ازپیش‌تعیین‌شده نیست و همگان از امکان و فرصت دستیابی برابر به مناصب سیاسی برخوردارند؛ واقعیتی که موجب افزایش تعداد فعالان سیاسی در طول سال‌های اخیر شده و آنها را به شوق دستیابی به مناصب، وارد رقابت‌های سیاسی کرده است.

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شماره ۲: آمار نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی (سایت وزارت کشور)

دوره	سال	تعداد کل نامزدها
اول	۱۳۵۸	۳۶۹۴
دوم	۱۳۶۲	۱۵۹۲
سوم	۱۳۶۶	۱۹۹۹
چهارم	۱۳۷۰	۳۲۳۳
پنجم	۱۳۷۴	۵۳۶۶
ششم	۱۳۷۸	۶۸۵۳
هفتم	۱۳۸۲	۸۱۷۲
هشتم	۱۳۸۶	۷۱۲۹
نهم	۱۳۹۰	۵۲۸۳
دهم	۱۳۹۴	۱۲۱۲۳

از سویی مطابق ماده پنجاه‌وهفتم قانون انتخابات ریاست‌جمهوری، وظیفه بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست‌جمهوری به شورای نگهبان واگذار شده است و این شورا وظیفه احراز شرایط نامزدی منصب ریاست‌جمهوری را برعهده دارد. همچنین مطابق مواد پنجاه تا پنجاه‌وسوم قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، وظیفه بررسی صلاحیت نامزدها با هیئت اجرایی و هیئت نظارت استان، و در مرحله نهایی در صورت رد صلاحیت کاندیدا از سوی هیئت نظارت و شکایت کاندیدا، با شورای نگهبان خواهد بود. این در حالی است که ایفای چنین نقش نظارتی در انتخابات در راستای تحقق قانون بوده و نهادهای نظارتی به موجب قانون موظف هستند افراد حائز شرایط را برای انتخابات به مردم معرفی کنند و این موضوع نافی اصل برابری همگان در تصدی مناصب سیاسی نخواهد بود.

www.SID.ir

Archive of SID

درمجموع با ارزیابی شرایط حاکم بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی در ایجاد فضای برابر برای همگان در دسترسی به مناصب سیاسی باید گفت شرایط موجود حاکی از آن است که به جهت آنکه نظام جمهوری اسلامی برخاسته از توده‌های مردم و اقشار ضعیف جامعه می‌باشد، همواره نگاهی برابر به توده‌های مردم در این نظام وجود داشته و این روش در حضور برابر مردم در عرصه نامزدی تصدی مناصب سیاسی همواره بوده است و اعمال محدودیت‌های نهادهای نظارتی و مجری انتخابات را می‌توان در راستای اجرای قانون ارزیابی کرد.

از سویی یکی از موضوعات مهم که همواره مورد بحث‌های جدی در عرصه تصدی مناصب سیاسی در کشور قرار گرفته، برابری زنان و مردان بوده است. همچنان‌که بیان شد مطابق ماده سی‌وپنجم قانون انتخابات ریاست‌جمهوری و ماده بیست‌وهشتم قانون انتخابات مجلس، هیچ‌گونه نگاه تبعیض‌آمیزی به حضور زنان در تصدی مناصب سیاسی وجود نداشته و قانون شرایط برابری برای زنان همانند مردان دراین‌باره قائل شده است. اما نکته مهم در این راستا آن است که با وجود زمینه‌ها و شرایط برابر برای زنان در کنار مردان، نگاه به ادوار مختلف انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که تعداد کل نمایندگان زن دوره اول تا نهم مجلس شورای اسلامی ۷۸ نفر بوده است. همچنین ارزیابی‌ها نشان می‌دهند بیشترین حضور نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی از کلان‌شهر تهران با ۲۷ نماینده بوده و حضور نمایندگان زن مجلس از سایر کلان‌شهرها کمتر بوده است. این سهم در شهرهای بزرگ و کوچک گاهی به صفر می‌رسد و برخی شهرهای بزرگ کشور در نه دوره مجلس هیچ نماینده زنی نداشته‌اند. در همین باره از ۷۸ نفر قانون‌گذار زن مجلس، از دوره اول تا نهم با لحاظ کردن نمایندگان زنی که بیش از یک دوره در مجلس حضور داشته‌اند، ۵۱ نفر از حوزه انتخابیه تهران بوده‌اند. درنتیجه ۶۵/۳ درصد زنان مجلس از کلان‌شهر تهران بوده‌اند که از این پدیده با عنوان مشارکت سیاسی کانونی نام برده می‌شود (رجبی و دیگران، ۱۳۹۲: ۳).

www.SID.ir

Archive of SID

جدول شماره ۳: حضور زنان در مجلس شورای اسلامی (همان: ۲)

دوره‌های مجلس	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم
تعداد کل نمایندگان	۳۲۸	۲۷۴	۲۷۸	۲۷۵	۲۷۷	۲۹۷	۲۹۴	۲۸۸	۲۹۰
تعداد نمایندگان زن	۴	۴	۴	۹	۱۴	۱۳	۱۳	۸	۹
تعداد داوطلبان زن	۹۰	۳۲	۴۷	۸۶	۳۵۱	۵۰۴	۸۲۷	۵۸۵	۳۹۰

همچنین مشارکت زنـان در شـوراهای اسـلامی شـهر و روسـتا نیـز قابـل مشـاهده اسـت؛ به‌طوری‌که برای نمونه در نگاه به آمار مشارکت زنان در چند استان کشور، در اسـتان آذربایجـان شرقی در دوره اول شوراهای اسلامی از ۹۷۸٤ نفر کل تعداد اعضای شورای اسلامی، تنهـا ۳۳ نفر زن در این شورا عضویت داشتند که این آمار در دور چهارم شوراهای اسلامی از ۸۷٤۱ نفـر کل اعضای شورای اسلامی، به ۱۰۱ نفر زن افزایش یافته است. در سه استان خراسـان رضـوی، شمالی و جنوبی در دور اول شوراهای اسلامی از ۲۰۰۷٦ نفر کل اعضای شورا تنهـا ۱٥٤ نفـر زن حضور داشته‌اند و در دور چهارم شوراهای اسلامی از ۲۰۲۷٤ نفر کل اعضای شورا، تعـداد زنان به ٦٤۹ نفر ارتقا یافته است. این شـرایط در اسـتان فـارس نیـز بـه همـین صـورت اسـت؛ به‌طوری‌که در دور اول شوراهای اسلامی از ۱۰۸۲۲ نفر کل اعضای شورا تنهـا ٥۳ زن حضـور داشته‌اند و این تعداد در دور چهارم شوراهای اسلامی از ۱۰۹۳۷ نفر کل اعضا تنها به ٤۱۹ نفـر زن ارتقا یافته است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹٤: ۹۲۲-۹۲۳).

جدول شماره ۴: حضور زنان در شوراهای اسلامی (رجبی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲)

حوزه انتخابیه شوراهای اسلامی	کل اعضای دور اول	کل زنان دور اول	کل اعضای دور چهارم	کل زنان دور چهارم
آذربایجان شرقی	۹۷۸٤	۳۳	۸۷٤۱	۱۰۱
خراسان رضوی، شمالی و جنوبی	۲۰۰۷٦	۱٥٤	۲۰۲۷٤	٦٤۹
فارس	۱۰۸۲۲	٥۳	۱۰۹۳۷	٤۱۹

نکته مهم در این راستا آن است که از ارزیابی فوق نمی‌توان چنین نتیجه گرفت که عـدالت جنسیتی در مناصب سیاسی وجود ندارد یا مانع سیستمی برای کسب مناصب نمایندگی زنـان

www.SID.ir

Archive of SID

در مجلس شورای اسلامی، شورای اسلامی شهر و روستا یا دولت بوده است؛ زیرا برحسب قانون، هیچ تفاوتی در رأی دادن به نمایندگان، نامزد شدن و انتخاب نماینده زن برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی وجود ندارد. این در حالی است که به‌رغم نبودن موانع قانونی و شرعی برای حضور زنان در عرصه‌های قانون‌گذاری، شاهد حضور کم‌رنگ آنان در این عرصه بوده‌ایم؛ شرایطی که با ریشه‌یابی آن می‌توان علل آن را بیشتر به عوامل روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و نحوه مواجهه گروه‌ها و احزاب با موضوع زنان و انتخابات مرتبط دانست. از سویی نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش میدانی نشان می‌دهد که زنان اساساً از حضور در پای صندوق‌های رأی و رأی دادن استقبال می‌کنند، اما به کاندیدا شدن برای نمایندگی که مشارکت فعال شمرده می‌شود، کمتر گرایش دارند. از عوامل دیگر فرهنگ و عرف رایج، مردمحور بودن جامعه، توجه به خانواده و اولویت داشتن آن است که بیشترین تأثیر را بر شکل‌گیری گرایش‌های سیاسی زنان و نحوه مشارکت آنها در فعالیت‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی دارد (قاسمی و معالی، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

۲. وضعیت فضیلت و بیشینه کردن آن در برخورداری از مناصب سیاسی

یکی از شاخص‌های عدالت سیاسی در توزیع مناصب، توجه به اصل فضیلت و شایستگی در کنار اصل برابری است. این بدان جهت است که باتوجه‌به وجود محدودیت در مناصب، عدالت سیاسی اقتضا می‌کند بر اساس اصل فضیلت در کنار برابری، توزیع مناصب سیاسی موجود در جامعه انجام پذیرد. براین‌اساس توجه به شایستگی افراد و بهره‌گیری از بیشترین تعداد از افراد شایسته در مناصب سیاسی، به تحقق هرچه مطلوب‌تر عدالت سیاسی کمک شایانی می‌کند. ازاین‌رو در ارزیابی این مهم با نگاه به گذشته کنش سیاسی در نظام جمهوری اسلامی، شاهدیم با گذشت زمان به موضوع فضیلت و شایستگی اهمیت بیشتری داده شده و تلاش شده در واگذاری مناصب سیاسی این مهم مورد توجه قرار گیرد؛ به‌طوری‌که با اصلاحاتی که در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال‌های اخیر انجام شد، داشتن حداقل مدرک کارشناسی ارشد یا معادل آن برای ثبت‌نام نامزدی نمایندگی مجلس اضافه شده و موضوع فضیلت و شایستگی در تصدی منصب نمایندگی مورد توجه قرار گرفته است.

www.SID.ir

Archive of SID

همچنین در قانون انتخابات ریاست‌جمهوری نیز با ذکر ویژگی‌هایی چون رجال مذهبی، سیاسی، مدیر و مدبر بودن، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، به شاخص فضیلت و شایستگی در تصدی منصب مهم ریاست‌جمهوری توجه شده است. در همین راستا نهادهای نظارتی چون شورای نگهبان، هیئت‌های اجرایی و هیئت‌های نظارت استان در ادوار مختلف انتخابات نقش مهمی را در تحقق شاخص فضیلت و شایستگی در تصدی مناصب سیاسی ایفا کرده و درصدد برآمده‌اند با احراز شرایط مندرج در قانون که بیان آن گذشت، نامزدهای شایسته را برای تصدی مناصب به مردم معرفی کنند.

همچنین در راستای ارزیابی میزان توجه به شاخص فضیلت و شایستگی در تصدی مناصب سیاسی، در پیمایشی که در سه شهر تهران، مشهد و یزد انجام شد، حدود نیمی از پرسش‌شوندگان موافقت خود را با این گویه که «امروزه بیشتر مسئولیت‌ها و مشاغل مهم دولتی، بر اساس صلاحیت و شایستگی به افراد سپرده می‌شود» اعلام کرده‌اند. همچنین مطابق با این نظرسنجی، بیش از شصت درصد مردم در بیان دیدگاه خود درباره این گویه که «در شرایط فعلی هر فردی تجربه و تخصص بیشتری داشته باشد، شانس بیشتری برای پیشرفت دارد» موافقت خود را اعلام کرده و تنها ۲۳/۹ درصد از مردم مخالف وجود آن بوده‌اند (یوسفی، ۱۳۸۳، ج ۱۲: ۷۵).

نتایج این نظرسنجی در کنار ارزیابی روند کنش‌های سیاسی در طول تاریخ چهل‌ساله نظام جمهوری اسلامی، حاکی از آن است که توجه به معیار فضیلت و شایستگی در فضای سیاسی کشور بیش‌ازپیش مورد توجه واقع شده و نظرسنجی‌های مردمی نیز حاکی از وجود این نگاه در فضای سیاسی کشور است. درواقع این قراین نشان می‌دهد که توجه به شاخص شایستگی در تصدی مناصب سیاسی، هم از نگاه مردم و هم از نگاه مسئولان نظام سیاسی بیش از گذشته مورد توجه واقع شده و به‌عنوان یک معیار مهم در عرصه تصدی مناصب سیاسی مطرح شده است.

نتیجه‌گیری

بر اساس چهارچوب نظری توفیق، کارآمدی نظام سیاسی میزان دستیابی به هدف تعریف می‌شود و این در حالی است که برای ارزیابی کارآمدی عدالت سیاسی در جمهوری اسلامی ضروری است تبیینی آشکار و کاربردی از این مفهوم صورت گیرد.

www.SID.ir

Archive of SID

ازاین‌رو می‌توان عدالت سیاسی را بر اساس الگوی مطلوب، شرایطی دانست که در حوزه‌های قدرت، قانون، تصمیم‌گیری و روش‌های حاکم بر نظام سیاسی به دنبال بیشینه کردن دو مؤلفه برابری و فضیلت در جامعه است. براین‌اساس می‌توان تحقق مطلوب عدالت سیاسی را در عرصه توزیع مناصب سیاسی شرایطی دانست که بیشترین افراد از شایسته‌ترین آنها برخوردار از مناصب سیاسی در جامعه باشند.

نتیجه ارزیابی وضعیت موجود عدالت در توزیع مناصب سیاسی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نسبت به وضعیت مطلوب، بیانگر شرایط روبه‌رشدی است. با نگاه روندی به این موضوع و مبتنی بر نظریه توفیق، نظام سیاسی جمهوری اسلامی درزمینه دو مؤلفه برابری و فضیلت نسبتاً کارآمد بوده است. شرایط موجود حاکی از آن است که در نظام جمهوری اسلامی همواره نگاهی برابر به توده‌های مردم وجود داشته و این روش در حضور روبه‌رشد مردم در عرصه نامزدی تصدی مناصب سیاسی همواره بوده و در این میان اعمال محدودیت‌های نهادهای نظارتی و مجری انتخابات نیز در راستای اجرای قانون بوده است. از سویی ضعف‌ها و نابرابری عدالت جنسیتی موجود در مناصب سیاسی نیز ریشه در عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر برون‌سیستمی دارد. در این رستا، استقبال محدود زنان برای کسب مناصب نمایندگی در مجلس شورای اسلامی و شورای اسلامی شهر و روستا ازیک‌سو و کم‌توجهی احزاب و گروه‌ها به موضوع زنان در لیست‌های انتخاباتی و همچنین گزینش و انتخاب آنان برای مناصب مدیریت عالی سبب شد که مشارکت زنان در مناصب سیاسی متناسب نباشد. این نتیجه توسط تحقیقات دیگر ازجمله پژوهش قاسمی و معالی (۱۳۹۳) تأیید شده است. تحقیق آنان بر این موضوع تأکید دارد که باید بخش مهمی از عوامل مؤثر در محدود ماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس را در جامعه زنان و رفتار انتخاباتی آنان جست‌وجو کرد.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳٦۸). مبانی علم سیاسی، تهران، توس.

www.SID.ir

Archive of SID

آلموند، گابریل و دیگران (۱۳۸۱). چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری.
پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور.
پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۷). نهج الفصاحه، تهران، جاویدان.
حر عاملی، محمد حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.
حرانی، حسن بن علی (۱۳۹۸ق). تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه.
ذوعلم، علی (۱۳۸۵). تجربه کارآمدی حکومت ولایی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
رجبی، شهناز و دیگران (۱۳۹۲). گزارش مطالعات پارلمانی تطبیقی ۳(جایگاه زنان نماینده از دوره اول تا نهم مجلس شورای اسلامی)، تهران، معاونت پژوهش‌های سیاسی حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس.
روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، تهران، تبیان.
سالنامه آماری کشور (۱۳۹۴). بخش امور سیاسی، تهران، سازمان آمار کل کشور.
علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۲). عدالت در نگرش و روش امام علی، پایان‌نامه دکتری، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
علیخانی، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۸۸ الف). درآمدی بر نظام سیاسی عدالت در اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
ـــــــــــ (۱۳۸۸ ب). درآمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
قاسمی، حاکم و فاطمه معالی (زمستان ۱۳۹۳). «عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان (بررسی عوامل محدود ماندن تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان)»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۱۰، ش ۱، ص ۱۲۳-۱۵۶.
لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۳). حکومت؛ مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران، سروش.
لیپست، سیمور (خرداد و تیر ۱۳۷٤). «مشروعیت و کارآمدی»، ترجمه رضا زبیب، فرهنگ توسعه، س ٤، ش ۱۸، تهران، ص ۱۰-۱۱.
موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
نائینی، محمدحسین (۱۳۶۱). تنبیه الامه و تنزیه المله، تهران، شرکت سهامی انتشار.
یوسفی، علی (بهار ۱۳۸۳). «برابری سیاسی و رابطه آن با مشروعیت دولت (تحلیل ثانویه نتایج یک پژوهش در سه شهر تهران، مشهد و یزد)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، ش ٤٤، ص ٦٥-۸۸.

www.SID.ir